

تأثیر آزادسازی اقتصادی بر رشد جامعه مدنی در قزاقستان

الهه کولایی*

استاد مطالعات منطقه‌ای، دانشگاه تهران

سیمین شیرازی موگویی

دانشجوی دکتری مطالعات منطقه‌ای، دانشگاه تهران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۲/۰۹ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۴/۰۴/۱۹

چکیده

قزاقستان آخرین جمهوری اتحاد شوروی بود که استقلال خود را اعلام کرد. پس از فروپاشی اتحاد شوروی، این کشور به دنبال بازسازی هویت ملی خود، اصلاحات اقتصادی را آغاز کرد. به سبب وابستگی شدید به مسکو، تغییر ساختارهای سیاسی و اقتصادی در این کشور آسان نبود. در سال‌های اولیه استقلال، قزاقستان برای انجام اصلاحات اقتصادی، به دلیل رخداد بحران مالی آسیا، مسیر سختی پیش رو داشت؛ اما دولت با جدیت این برنامه‌ها را دنبال کرد. این نوشتار در پی پاسخ‌دادن به این پرسش است که «آزادسازی اقتصادی در قزاقستان پس از فروپاشی اتحاد شوروی، بر رشد جامعه مدنی در این کشور چه تأثیری داشته است؟» نویسندگان پس از بررسی جنبه‌های مختلف اقتصاد، سیاست و جامعه مدنی در قزاقستان، استدلال می‌کنند که در بیش از دو دهه پس از فروپاشی اتحاد شوروی، آزادسازی اقتصادی سبب رشد نسبی جامعه مدنی در قزاقستان شده است.

کلیدواژه‌ها

آزادسازی اقتصادی، اتحاد شوروی، توسعه اقتصادی، توسعه انسانی، جامعه مدنی، قزاقستان.

* E-mail: ekolaee@ut.ac.ir

مقدمه

پس از فروپاشی اتحاد شوروی در سال ۱۹۹۱، قزاقستان آخرین جمهوری بود که استقلال خود را از بدنه اتحاد اعلام کرد. نورسلطان نظربایف، رهبر این جمهوری به گورباچف (آخرین رهبر اتحاد شوروی) بسیار نزدیک بود و همواره موافق نظرها و برنامه‌های وی بود. با فروپاشی اتحاد شوروی، قزاقستان نیز مانند دیگر جمهوری‌های نواستقلال برنامه‌های اصلاحات را آغاز کرد. در سال ۲۰۰۱ قزاقستان از سوی کشورهای غربی به‌عنوان کشوری که «دوران گذار» را پشت سر گذاشته است، معرفی شد. قزاقستان در این سال‌ها در جهت انجام اصلاحات اقتصادی اقدام‌های زیربنایی انجام داده است. برای نمونه، قانون جدید مالیاتی را تصویب کرد، نرخ بیکاری را کاهش داد، نظام بانکی و واحد پول را تغییر داد، تلاش برای جذب سرمایه‌های خارجی را آغاز کرد و تجارت خارجی خود را با قدرت‌های اقتصادی گسترش داد. در سال‌های اخیر حجم سرمایه‌گذاری چین، آمریکا و اتحادیه اروپا در قزاقستان افزایش چشم‌گیری داشته است. به‌ویژه در بخش انرژی، این کشور بسیار موفق عمل کرده و ظرفیت‌های تولید خود را با حضور شرکت‌ها و سرمایه‌های خارجی افزایش داده است. بنابراین می‌توان گفت که قزاقستان در زمینه اجرای آزادسازی اقتصادی موفق بوده است.

در بعد سیاسی، در قزاقستان نیز همچون دیگر جمهوری‌های آسیای مرکزی از آغاز دهه ۱۹۹۰ مدل‌های غربی نهادهای سیاسی راه یافته است. این جمهوری به رهبری نورسلطان نظربایف تلاش کرده است تا خود را به شاخص‌های نظام‌های مردم‌سالار نزدیک کند. نظربایف با تمایل‌های فن‌سالارانه و دیوان‌سالارانه در پی نوسازی سیاسی - اقتصادی جامعه قزاقستان، البته به‌شکل اقتدارگرایانه بوده است. با این حال، نظام‌های سیاسی جمهوری‌های آسیای مرکزی با تأثیرپذیری از فرهنگ و سنت‌های تمرکزگرای روسی، آمادگی انتقال سریع به نظام‌های مردم‌گرا را نداشته‌اند. ماهیت قومی و قبیله‌ای سیاست در این کشورها و چالش‌های پیوندخورده با مفهوم ملت و ملی‌گرایی، از دیگر عوامل مشکل‌ساز در این مسیر بوده‌اند (ابوالحسنی، ۱۳۷۶: ۴۰).

در موضوع پیوند اقتصاد و سیاست در قزاقستان، به‌نظر برخی تحلیل‌گران، در این کشور تقدم اقتصاد بر سیاست، به دیکتاتوری، اقتصاد دستوری و فساد گسترده مسئولان منجر شده است؛ زیرا آزادسازی سیاسی بر اقتصادی مقدم است. در مقابل، این باور وجود دارد که آزادسازی اقتصادی

و تعامل با دیگر کشورها در عرصه بین‌المللی و تقسیم قدرت اقتصادی، مسئولان دولتی را به آزادسازی سیاسی و توجه به مؤلفه‌های حقوق بشری وادار می‌کند که این موارد سبب رشد جامعه مدنی می‌شود. با توجه به این مسئله و ضمن محوریت‌دادن به دیدگاه‌هایی که تأثیر رشد و توسعه اقتصادی بر بهبود شاخص‌های مردم‌سالار در کشورهای مختلف را قبول دارند، نوشتار پیش‌رو این پرسش را مطرح می‌کند که «آزادسازی اقتصادی در قزاقستان بر رشد جامعه مدنی در این کشور، پس از فروپاشی اتحاد شوروی چه تأثیری داشته است؟» نویسندگان نشان می‌دهند که به موازات توسعه روند آزادسازی اقتصادی و به‌ویژه افزایش روند تعاملات اقتصادی قزاقستان با اقتصادهای مهم جهان، فشارهای ناشی از روند جهانی شدن و همچنین عوامل داخلی، زمینه بهبود وضعیت جامعه مدنی را در این کشور فراهم کرده است.

جامعه مدنی و جوامع در حال گذار

کارل مارکس از متفکرانی بود که سبب شد تا مفهوم طبقات اجتماعی و اقتصادی در جامعه‌شناسی اهمیت بسیار یابد. از نظر مارکس ساختار طبقات اجتماعی بر مبنای موقعیت‌ها و وظایف گوناگونی که افراد در ساختار تولید جامعه دارند، شکل می‌گیرد. در نظام‌های اجتماعی و اقتصادی، مهم‌ترین تفاوت، میان آن عده‌ای است که مالک و کنترل‌کننده دارایی هستند و آن عده که مالک و کنترل‌کننده دارایی نیستند (کلودین، ۱۳۷۷: ۱۴۸). ماکس وبر نیز طبقه را به ساده‌ترین و بنیادی‌ترین صورت ممکن یعنی به‌مثابه مقوله‌ای اقتصادی مورد بحث قرار داده است؛ اما تأکید اصلی او بر ارائه تعریفی از طبقه بر توزیع اشیا با ارزش و بنیان‌هایی بوده است که براساس آن این توزیع به‌صورت نابرابر انجام می‌گیرد. به‌نظر وبر، طبقه فقط مجموعه‌ای از افراد نیست که موقعیت مشترکی در بازار دارند و بنابراین منافع اقتصادی و فرصت‌های زندگی مشابهی دارند (اسلام‌زاده، ۱۳۸۶: ۱۱). برینگتون مور، هم در کتاب ریشه‌های اجتماعی دیکتاتوری و مردم‌سالاری به نقش مهم طبقات اجتماعی در این زمینه توجه دارد. مور، عامل داخلی توسعه و عقب‌ماندگی را عامل اصلی می‌داند. به نظر مور، ساختارهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی گوناگون موجب توسعه به شیوه‌های گوناگون و یا توسعه‌نیافتگی می‌شوند (مور، ۱۳۷۵: ۲۰).

می‌توان گفت که در هر زمان و مکان کیفیت طبقات اجتماعی عاملی مهم و برجسته، در شکل‌گیری یا شکل‌نگرفتن جامعه مدنی و فضای کثرت‌گرایی است. برای نمونه نبود یک طبقه بورژوازی ملی و مستقل از قدرت مرکزی در آسیای مرکزی همواره مانعی بر سر راه

شکل‌گیری جامعه مدنی بوده است. از سوی دیگر، وجود ساختار اقتصادی فئودالی نیز با دامن‌زدن به نفوذ طبقات ارتجاعی مانند دهقانان و زمین‌داران، خود تسهیل‌کننده فروپاشی در عرصه جامعه مدنی بوده است. در این میان، اقتدارگرایی نظام‌های سیاسی حاکم در منطقه، مانع خاص شکل‌گیری جامعه مدنی در منطقه بوده‌اند. جامعه مدنی، حوزه‌ای از روابط اجتماعی است که دربرگیرنده مجموعه‌ای از نهادها، مؤسسه‌ها و تشکلهای خصوصی است که به دور از وجه آمریت دولت است و از این نظر، جامعه مدنی اصطلاحی است که در مقابل دولت به کار می‌رود (بشیریه، ۱۳۹۰: ۳۲۹). جامعه مدنی در یک تقسیم‌بندی از نظر تاریخی به پنج مفهوم دسته‌بندی می‌شود:

۱. جامعه مدنی به معنای دولت که در مقابل خانواده قرار می‌گیرد. این مفهوم در اندیشه ارسطویی مطرح است؛
 ۲. جامعه مدنی به معنی جامعه متمدن که آن را در مقابل جامعه ابتدایی بشر به کار می‌برد؛
 ۳. جامعه مدنی در اندیشه هگل به معنی شکل اولیه دولت است؛
 ۴. جامعه مدنی در اندیشه مارکس به معنی حوزه روابط مادی و اقتصادی و علایق طبقاتی و اجتماعی است که در مقابل دولت قرار می‌گیرد؛
 ۵. جامعه مدنی در اندیشه آنتونیو گرامشی به معنی مرکز قدرت ایدئولوژیک یا هژمونی فکری طبقه حاکمه است. در میان این مفاهیم، سه مفهوم آخر، بیشترین نزدیکی معنایی را با مفهوم جامعه مدنی دارد که در مباحث جامعه‌شناسی معاصر مطرح می‌شود (بشیریه، ۱۳۹۰: ۳۳۵-۳۳۲).
- بنابراین هر چه دولت بزرگ‌تر و حوزه فعالیت آن گسترده‌تر باشد، به همان نسبت جامعه مدنی کوچک‌تر می‌شود. توجه به این نکته از این منظر اهمیت دارد که بسیاری از دولت‌های درحال گذار، دولت‌های حداکثری نامیده می‌شوند. بنابراین میان نوع حکومت و جامعه مدنی ارتباط مستقیم وجود دارد. جوامع درحال گذار تلاش می‌کنند تا از اقتصاد سنتی به اقتصاد بازار وارد شوند. این جوامع معمولاً نظام‌های سیاسی سنتی دارند که تلاش می‌کنند در فضای بین‌الملل که مرزهای اقتصادی در آن روز به روز کمتر می‌شوند، هر چه بیشتر به آزادسازی اقتصادی روی آورند. یکی از ویژگی‌های مشترک این جوامع این است که توسعه اقتصادی در آنها متناسب با توسعه در دیگر بخش‌ها نیست. به‌ویژه توسعه سیاسی در این جوامع به کندی پیش می‌رود و اگر هم این روند تسریع یابد، نه به خواست صاحبان قدرت، بلکه به دلیل

فشارهای جامعه بین‌الملل به این دولت‌ها است. البته این عامل هم تحت تأثیر متغیرهای بسیاری قرار دارد که این متغیرها می‌توانند به آسانی تأثیر این فشارها را کم‌رنگ کنند یا به‌کلی از بین ببرند. کشورهایی که از نظر سیستم سیاسی، سستی هستند اما تمایل به گذار به اقتصاد بازار را دارند، باید در جهت توسعه سیاسی اصلاحاتی انجام دهند. از همین نقطه است که بحث جامعه مدنی شکل می‌گیرد. زمانی که این اصلاحات انجام می‌شوند، هر چقدر نقش دولت کم‌رنگ‌تر و دولت کوچک‌تر شود، جامعه مدنی بیشتر رشد می‌کند. بنابراین دولت حداقلی جامعه مدنی حداکثری را در پی خواهد داشت و برعکس (مور، ۱۳۷۵: ۷). این دولت‌ها به راحتی به اصلاحات سیاسی رضایت نمی‌دهند و اصلاحات سیاسی، سال‌ها پس از آغاز روند آزادسازی اقتصادی صورت می‌گیرند. معمولاً روند اصلاحات در این کشورها، از بالا به پایین و محدود به اصلاحات اقتصادی است، یا زیر فشار یک عامل خارجی مانند یک هژمون منطقه‌ای و یا جهانی انجام می‌شود.

در جهان امروز، اقتصاد بخش بسیار مهمی از عملکرد هر دولتی است. امروزه اقتصاد تعیین‌کننده بسیاری از تصمیم‌های سیاسی دولت‌ها است و در نقاط ژئواستراتژیک جهان - مانند خاورمیانه - مسائل اقتصادی مانند حمل‌ونقل و انرژی تنظیم‌کننده روابط سیاسی بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای است. در این میان، شرکت‌های چندملیتی نقش بسیار مهمی ایفا می‌کنند. سرمایه‌گذاری خارجی یکی از مؤلفه‌های اصلی جهانی‌شدن اقتصاد است. روشن است که این وضعیت برای کشورهای صاحب سرمایه و دولت‌های کمتر توسعه‌یافته متفاوت است (نش، ۱۳۹۱: ۷۴-۷۱). دولت‌های کمتر توسعه‌یافته در برابر حضور شرکت‌های چندملیتی مقاومت می‌کنند. طبیعت ساختار اقتصادی در این کشورها به‌گونه‌ای است که دستگاه حاکم تمایل به تقسیم ثروت‌های ملی ندارد و صاحبان قدرت سیاسی همان دارندگان قدرت اقتصادی نیز هستند. از این‌رو، حتی با ورود شرکت‌های بین‌المللی در این کشورها، تلاش طبقه حاکم این است که بیشترین سود به‌دست‌آمده از فعالیت شرکت‌ها، نصیب آنان شود. این مسئله ارتباط مستقیم با مسئله فساد و همچنین قانون در این کشورها دارد. شرکت‌های چندملیتی به‌شکل طبیعی ترجیح می‌دهند در محیطی فعالیت کنند که تابع قوانین ملی محدودکننده نباشد. انجام اصلاحات اقتصادی، یکی از اقدام‌هایی است که می‌تواند در این مسیر نقش مهمی ایفا کند.

آزادسازی اقتصادی در قزاقستان

پایه و اساس اقتصاد قزاقستان را منابع نفت و گاز این کشور تشکیل می‌دهد. صادرات نفت خام مهم‌ترین منبع درآمد صادراتی آن است. معادن فلزی غنی قزاقستان نیز در اقتصاد این کشور نقش مهمی دارند. استخراج و استفاده از این منابع، نیازمند جذب سرمایه‌های خارجی در این صنعت است. در سال‌های ابتدایی پس از استقلال، قزاقستان نیز مانند دیگر کشورهای منطقه، وارث ساختارهای فاسد اتحاد شوروی بود. اقتصاد این کشور عقب‌مانده بود و بخش عظیمی از سرمایه‌های کشور در کشاورزی صرف می‌شد؛ درحالی‌که به بخش صنعت اهمیت چندانی داده نمی‌شد و بخش خدمات بسیار عقب مانده بود (Weinthal and Luong, 2001). قزاقستان در سال‌های پس از استقلال، تمایل شدید خود را برای پیوستن به اقتصاد جهانی نشان داده است. یکی از راه‌های پیوستن به اقتصاد جهانی، عضویت در سازمان تجارت جهانی است. از سال ۱۹۹۶ قزاقستان تلاش خود را برای پیوستن به سازمان تجارت جهانی آغاز و درخواست رسمی خود مبنی بر عضویت در سازمان را به دبیرخانه آن ارائه کرد. اگرچه بحران مالی سال ۱۹۹۸ روسیه، تأثیر خود را بر روند گفت‌وگوها گذاشت، اما پس از سال ۲۰۰۰، روند گفت‌وگوها دوباره آغاز شد و دولت قزاقستان هنوز برای عضویت در این سازمان تلاش می‌کند (WTO, 2014).

قزاقستان در سال‌های اولیه استقلال با مشکلات اقتصادی بسیاری روبه‌رو بود. وضع قوانین جدید اقتصادی، افزایش نرخ تورم و بیکاری را در پی داشت و سبب می‌شد تا تولید ناخالص داخلی و میزان تولید کاهش یابد. البته پس از بحران مالی آسیا و از سال ۲۰۰۰ به دلیل افزایش قیمت نفت که بخش مهم اقتصاد قزاقستان را تشکیل می‌داد، اوضاع اقتصادی رو به بهبود گذاشت. قزاقستان اولین کشور در میان جمهوری‌های پیشین اتحاد شوروی بود که توانست بدهی خود را به صندوق بین‌المللی پول بپردازد (EBRD, 2001). تدوین برنامه‌های اقتصادی منسجم و توجه بیشتر به بخش صنعت و معدن نیز از دیگر عوامل بهبود وضع اقتصادی بوده است. در سال ۲۰۰۳ دوباره مجموعه قوانین جدیدی در این زمینه تصویب شد. در برنامه جدید، توسعه اقتصادی بیشتر مورد نظر قرار گرفت و به تکمیل روند توسعه اقتصادی کشور تا سال ۲۰۱۵ توجه شد. بر همین اساس در سال ۲۰۱۰ سرمایه‌گذاری‌ها بیش از ۱۲ درصد افزایش یافت (Fredborn Larsson, 2010).

انرژی بخش اصلی اقتصاد قزاقستان را تشکیل می‌دهد. صادرات نفت و گاز سبب رونق بخش‌های مختلف اقتصاد، از جمله بخش صنعت شده است. سابقه بهره‌برداری از نفت در قزاقستان به دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ باز می‌گردد. پس از فروپاشی اتحاد شوروی، صنعت نفت قزاقستان با مشکل روبه‌رو بود. روسیه کنترل خط لوله‌های نفتی را در اختیار داشت و این مسئله انتقال نفت قزاقستان را دشوار می‌کرد (Gorlizki and Khlevnyuk, 2004). روسیه همچنان در بخش انرژی قزاقستان حضور مؤثری دارد. شرکت لوک اویل روسیه از بزرگ‌ترین سرمایه‌گذاران طرح‌های نفتی و گازی قزاقستان است و در هفت طرح نفتی این کشور فعال است. همچنین ذخایر گازی و بیش از نیمی از منابع نفتی خارجی این شرکت در قزاقستان قرار دارد. این شرکت مهم روسی، ۱۲ درصد سهام خط لوله کنسرسیوم را در اختیار دارد. به جز لوک اویل، شرکت‌های گازپروم، روس نفت و یوکوس نیز در قزاقستان فعال هستند. دلیل حضور پررنگ شرکت‌های روسی در صنعت نفت قزاقستان این است که قزاقستان، تنها کشور منطقه است که می‌تواند در زمینه انرژی با روسیه رقابت کند؛ از این رو، روس‌ها تمایل دارند تا با حضور در میدان‌های نفتی مهم قزاقستان، موقعیت خود را در صنعت نفت منطقه حفظ کنند (Oil and Gas Journal, 2000).

قزاقستان معادن باارزشی دارد؛ اما به اندازه صنعت نفت و گاز به آن‌ها توجه نشده است. شایان توجه اینکه این بی‌توجهی به معادن، تا حد زیادی نتیجه وابستگی این بخش به روسیه بود که با وقوع بحران مالی در آسیا و روسیه این بخش نیز تضعیف شد. با این وجود، بر اساس آخرین آمارها، تولیدات بخش معدنی قزاقستان بیش از ۹ درصد از تولید ناخالص داخلی و حدود ۱۸ درصد از مجموع تولیدات صنعتی این کشور را تشکیل می‌دهد. حدود ۸۰ درصد از تولیدات این بخش به بیش از ۳۰ کشور صادر می‌شود که ۲۰ درصد مجموع صادرات و ۳۰ درصد از درآمد سالانه قزاقستان را به خود اختصاص داده است (Mining World, 2014).

قزاقستان از همان ابتدای استقلال، برنامه خصوصی‌سازی را آغاز کرد. تا سال ۱۹۹۳ برنامه خصوصی‌سازی مسیر کمی را به آهستگی پیمود و حوزه‌های کوچکی به بخش خصوصی واگذار شدند. اما از سال ۱۹۹۵ قانون مدونی با عنوان «قانون توسعه خصوصی» تصویب شد. همین مسئله سبب شد تا روند خصوصی‌سازی در کشور شتاب بگیرد و بخش‌های کلان اقتصاد هم وارد این برنامه شدند. تا پیش از این برنامه در این کشور مالکیت خصوصی وجود نداشت؛ اما در سال ۲۰۰۰ در پی تصویب قانون مالکیت زمین، مالکیت خصوصی زمین نیز به

رسمیت شناخته شد. شایان توجه اینکه برنامه خصوصی سازی در جوامعی مانند قزاقستان به راحتی انجام نمی شود و مفهوم خصوصی سازی در قزاقستان با غرب تفاوت دارد. زیرا صاحبان بنگاه های خصوصی همان صاحبان قدرت هستند که در قالب بنگاه ها و شرکت های اقتصادی خصوصی فعالیت می کنند.

جامعه قزاقستان برای نخستین بار پس از دوران حکومت اتحاد شوروی، شکاف درآمد و نابرابری در جامعه را تجربه می کرد. عملکرد بانک ها نیز در سال های اولیه استقلال قزاقستان، به دلیل آنکه تازه مستقل شده بودند و دیگر زیر نظر مسکو فعالیت نمی کردند و نرخ تورم در آن سال ها بسیار بالا بود، عملکرد چندان موفق نداشتند. اما با تثبیت قیمت ها و کنترل نرخ تورم به ویژه پس از سال ۲۰۰۰، عملکرد آن ها نیز بهبود یافت (لینک و ناومکین، ۱۳۹۱: ۷۷). دولت با تدوین برنامه هایی به مهار نرخ تورم پرداخت. به جز برنامه بانک ملی برای کنترل تورم، تغییر واحد پولی قزاقستان نیز برای اقتصاد این کشور قدم مهمی بود. دولت قزاقستان در سال ۱۹۹۴، تنگه را به عنوان پول رسمی کشور معرفی کرد و در ثبات نرخ ارز گام مهمی برداشت. بدین ترتیب سیاست مهار نرخ تورم به صورت جدی تری دنبال شد که البته تأثیر مثبت خود را پس از سال ۲۰۰۰ نشان داد و دولت توانست نرخ تورم را به میزان بسیار زیادی مهار کند (لینک و ناومکین، ۱۳۹۱: ۸۰-۷۸).

از دیگر سیاست هایی که در جهت اصلاح نظام مالی قزاقستان انجام شد، می توان به اصلاح نظام مالیاتی در این کشور اشاره کرد. این سیستم نوین مالیاتی از سال ۱۹۹۲ آغاز شد که شامل ۳۰ درصد از درآمد بنگاه های اقتصادی مانند شرکت های خصوصی و بین ۵ تا ۴۰ درصد از درآمدهای شخصی است. نظربایف پس از فروپاشی اتحاد شوروی ایجاد «حوزه روبل» را پیشنهاد کرد که از چهار کشور روسیه، قزاقستان، ازبکستان و روسیه سفید تشکیل شود. اگرچه قزاقستان بعدها به دلیل شرایط سنگین باقی ماندن در حوزه روبل، آن را ترک کرد؛ اما به هر حال نظربایف از کسانی بود که بر همگرایی اقتصادی کشورهای منطقه تأکید می کرد (کولایی، ۱۳۸۹: ۴۰). از دیگر فعالیت های قزاقستان، پیوستن به سازمان اکو بوده است. در سال ۱۹۹۱ به دنبال فروپاشی اتحاد شوروی، برخی کشورهای نواستقلال و افغانستان، تقاضای عضویت در «اکو» را کردند که با پیوستن آن ها، تعداد اعضای سازمان از سه کشور به ده کشور افزایش یافت. کشورهای آسیای مرکزی از جمله قزاقستان در سال ۱۹۹۲ به عضویت این سازمان پذیرفته شدند (کولائی، ۱۳۸۴: ۶۳-۵۷).

براساس آمارهای اقتصادی، قزاقستان ۱۹۰ کالای صادراتی دارد که به ۱۸۰ کشور جهان صادر می‌شود. از این میزان کالاهای مربوط به صنعت نفت و گاز و کالاهای معدنی، بیشترین میزان صادرات را دربر می‌گیرد. در سال ۱۹۹۸ تجارت خارجی قزاقستان به دلیل وقوع بحران مالی روسیه کاهش شدیدی داشت؛ اما پس از آن افزایش یافت. در سال‌های ۲۰۰۸-۲۰۰۹ تجارت خارجی قزاقستان به دلیل بحران مالی جهانی کاهش یافت. در سال ۲۰۱۰، قزاقستان به همراه روسیه و روسیه سفید یک اتحادیه گمرکی را تشکیل داد که در چارچوب همگرایی اقتصادی پسا شوروی اقدام مهمی بود. نقطه شروع این اتحادیه، وضع تعرفه‌های خارجی مشترک بود که البته در هر یک از سه کشور در این زمینه، استثناهای مختلفی برقرار شد (World Bank, 2012). در ادامه، همکاری‌های دو کشور از این سطح نیز فراتر رفت و در ۲۹ مه ۲۰۱۴، برای تشکیل «اتحادیه اقتصادی اوراسیا» میان آن‌ها پیمانی امضا شد. هدف این اتحادیه، ایجاد یک بازار اقتصادی واحد در حوزه جمهوری‌های پیشین اتحاد شوروی عنوان شده است. این پیمان در ۹ اکتبر ۲۰۱۴ به تصویب پارلمان قزاقستان رسید (Itarr-tass, 2014).

چین یکی دیگر از شرکای مهم تجاری قزاقستان است. امضای توافقنامه‌های تجاری با چین برای قزاقستان بسیار پرسود بوده است. در سال ۲۰۰۷، سهم تجارت این دو کشور بیش از ۹ میلیارد دلار بود و دو کشور تصمیم گرفتند تا سال ۲۰۱۲ حجم معاملات خود را دو برابر کنند. بیشتر صادرات قزاقستان به چین شامل فلزات و قیر طبیعی است. در سال ۲۰۱۳، رؤسای جمهور دو کشور با یکدیگر دیدار کردند و موفق شدند تا قراردادی تجاری به ارزش ۴۰ میلیارد دلار تا سال ۲۰۱۵ با یکدیگر امضا کنند. چین همواره به دنبال آن بوده است تا در بازار انرژی و سرمایه آسیای مرکزی به‌ویژه قزاقستان نفوذ کند (روابط تجاری قزاقستان و چین، ۱۳۹۲).

آمریکا نیز از مهم‌ترین شرکای قزاقستان است. واشنگتن مهم‌ترین سرمایه‌گذار خارجی قزاقستان بوده و تاکنون سرمایه‌ای بیش از ۱۷ میلیارد دلار را به اقتصاد این کشور وارد کرده است که حدود ۲۵ درصد از مجموع سرمایه‌های خارجی قزاقستان را تشکیل می‌دهد. مجموع مبادله تجاری میان دو کشور در سال ۲۰۱۳ بالغ بر ۲/۴ میلیارد دلار ارزیابی شده که ۱/۱۵۰ میلیارد دلار آن صادرات آمریکا به قزاقستان و ۱/۴۲۱ میلیارد دلار صادرات قزاقستان به آمریکا بوده است (United States Census, 2014). مجموع سرمایه‌گذاری مستقیم شرکت‌های آمریکایی در قزاقستان در فاصله سال‌های ۱۹۹۳ تا ۲۰۱۲ بالغ بر ۴۲/۵ میلیارد دلار بوده است. در این بخش،

آمریکا پس از هلند رتبه دوم را دارد (U.S Department of State, 2013). در زمینه تجارت با اروپا نیز اتحادیه اروپا و قزاقستان در سال ۱۹۹۹ توافق‌هایی در زمینه سرمایه‌گذاری و تجارت امضا کردند. آن‌ها در زمینه فولاد با یکدیگر همکاری می‌کنند. البته بیشترین واردات اتحادیه اروپا از قزاقستان در زمینه انرژی است و صادرات به آن کشور نیز شامل لوازم مورد نیاز برای شرکت‌های نفت و گاز اروپایی در قزاقستان و ماشین‌آلات است. در سال‌های پس از استقلال قزاقستان، اتحادیه اروپا توانسته است خود را به بزرگ‌ترین شریک تجاری این کشور تبدیل کند؛ به گونه‌ای که ۴۰ درصد از مجموع صادرات قزاقستان به کشورهای عضو این اتحادیه است. در سال ۲۰۱۲، ارزش صادرات اتحادیه اروپا به قزاقستان ۷/۱ میلیارد یورو و واردات این اتحادیه ۲۰/۱ میلیارد دلار بوده است (Tsertsvadze and Axyonova, 2013).

جامعه مدنی در قزاقستان

در این بخش، سه عامل مهم تأثیرگذار بر وضعیت جامعه مدنی در کشورهای مختلف، یعنی توسعه انسانی، وضعیت احزاب، رسانه‌ها و سازمان‌های مردم‌نهاد و همچنین سطح و گستره فساد سیاسی، به عنوان عوامل تعیین‌کننده وضعیت جامعه مدنی در قزاقستان بررسی می‌شود.

توسعه انسانی

به شکل کلی، برای بررسی سطح و وضعیت توسعه انسانی در کشورهای مختلف، به گزارش‌های سالانه توسعه انسانی که از سوی برنامه توسعه سازمان ملل انتشار می‌یابد، استناد می‌شود. براساس آخرین گزارش‌ها، قزاقستان در سال ۲۰۱۳ توانست از نظر شاخص‌های توسعه انسانی رتبه ۷۰ را از میان ۱۸۷ کشور به خود اختصاص دهد. بین سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۳، شاخص توسعه انسانی قزاقستان از ۰/۶۸۶ به ۰/۷۵۷ رسید که افزایش ۱۰/۴ درصدی را نشان می‌دهد. نرخ رشد سالانه این شاخص، حدود ۰/۴۳ درصد بوده است. مواردی که در این شاخص مورد توجه قرار می‌گیرند، شامل امید به زندگی در بدو تولد، سال‌های مورد انتظار برای تحصیل، میانگین سال‌های تحصیل و درآمد سرانه ناخالص ملی است. امید به زندگی در قزاقستان در سال ۱۹۹۰ بالغ بر ۶۶/۸ سال بود که در سال ۲۰۱۳ به ۶۶/۵ سال رسیده است. در همین دوره، سال‌های مورد انتظار برای تحصیل از ۱۲/۶ به ۱۵، میانگین سال‌های تحصیل از

۷/۷ به ۱۰/۴ و درآمد سرانه ناخالص ملی از ۱۳۲۸۵ دلار به ۱۹۴۴۱ دلار افزایش یافته است (UNDP, 2014).

در شاخص نابرابری جنسیتی، قزاقستان با نمره ۰/۳۲۳ جایگاه ۵۹ را در میان ۱۴۹ کشور در سال ۲۰۱۳ به خود اختصاص داده است. در این کشور، ۱۸/۲ درصد از کرسی‌های پارلمان در اختیار زنان قرار دارد. ۹۹/۳ درصد از زنان دست‌کم دوره آموزش ابتدایی را در این کشور گذرانده‌اند که این رقم برای مردان ۹۹/۴ درصد است. از میان هر ۱۰۰ هزار تولد، ۵۱ زن بر اثر عوارض ناشی از حاملگی و زایمان می‌میرند و نرخ زاد و ولد از مادران نوجوان، ۲۹/۹ مورد از هر ۱۰۰۰ تولد است. مشارکت زنان در بازار کار نیز ۶۷/۵ درصد است که این میزان برای مردان ۷۷/۵ درصد است (UNDP, 2014).

احزاب، رسانه‌ها و سازمان‌های مردم‌نهاد

در سال ۱۹۸۹ میخائیل گورباچف (رهبر اتحاد شوروی)، نورسلطان نظربایف را به‌عنوان دبیر اول حزب، جایگزین کولین کرد. یک سال بعد، یعنی در سال ۱۹۹۰، نظربایف به ریاست جمهوری قزاقستان رسید. در آوریل ۱۹۹۵ همه‌پرسی برگزار شد و ۹۱ درصد مردم به ادامه ریاست جمهوری نظربایف تا سال ۲۰۰۰ رأی دادند. در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۰۵ نیز بار دیگر نظربایف ۹۱/۲ درصد آرا را به‌دست آورد. در آخرین انتخابات ریاست جمهوری این کشور در سال ۲۰۱۱ نیز آرای نظربایف ۹۵/۵ درصد اعلام شد. سازمان امنیت و همکاری اروپا تاکنون در تمامی موارد، روند برگزاری انتخابات در قزاقستان را مورد انتقاد قرار داده است (The Economist, 2011). در سال ۱۹۹۳ قانون اساسی قزاقستان تدوین شد. قانون اساسی آرای مردم را منبع اقتدار نظام معرفی کرده است. قانون اساسی قزاقستان حقوق احزاب و جنبش‌ها را تضمین می‌کند. البته به جز گروه‌هایی که به تعصبات ملی‌گرایانه و مذهبی دامن می‌زنند و گروه‌هایی که به‌دنبال از میان‌بردن قانون اساسی هستند. احزاب سیاسی نباید گرایش مذهبی داشته باشند و براساس مذهب تشکیل شوند و مجامع مذهبی نیز نباید با اهداف سیاسی شکل بگیرند. بنابر این قانون بود که احزاب تشکیل شدند و احزابی که پیش از این تشکیل شده بودند نیز رسمیت یافتند. در سال ۲۰۰۱، ۹ حزب سیاسی به‌شکل رسمی ثبت‌نام کردند. اتحادیه وحدت مردم قزاقستان، حزب همه با هم، حزب کمونیست قزاقستان، حزب سوسیالیست قزاقستان، کنگره خلق قزاقستان، حزب جمهوری‌خواه آزات، حزب خلقی - تعاونی قزاقستان، حزب مدنی

قزاقستان، حزب عدالت قزاقستان، حزب اوتان (سرزمین پدری)، حزب کشاورزی قزاقستان، حزب آلاش، حزب دموکراتیک شهروند (آزامات) و حزب میهن پرستان قزاقستان برخی از احزاب این کشور هستند (Encyclopedia of Nations, 2014).

تلویزیون، رادیو، روزنامه و اینترنت رسانه‌های قزاقستان هستند. در قانون اساسی کشور آزادی رسانه‌های جمعی و آزادی بیان تضمین شده است؛ اما رسانه‌ها نیز ابزاری در دست دولت‌اند و رسانه‌های مستقل نیز تا زمانی می‌توانند فعالیت کنند که علیه جریان حاکم مطلبی ننویسند و حرفی نزنند. به شکل کلی می‌توان گفت که وضعیت رسانه‌های مستقل که یکی از شاخص‌های بسیار مهم جامعه مدنی است، مناسب نیست؛ به گونه‌ای که مجامع بین‌المللی بارها در این مورد هشدار داده‌اند. در سال ۲۰۰۴، فدراسیون بین‌المللی روزنامه‌نگاران هشدار داد که به نظر می‌رسد الگویی در قزاقستان برای ارباب اصحاب رسانه‌های آزاد وجود دارد که روز به روز نیز گسترده‌تر می‌شود (<http://www.eurasianet.org/node/63176>, 2011). سازمان‌های مردم‌نهاد در قزاقستان نیز همان نشانه‌های این سازمان‌ها در کشورهای در حال گذار را دارند. پایگاه حمایتی آن‌ها در رابطه با دولت ضعیف و ارتباط این سازمان‌ها با مردم به صورت کلی شکننده است. پس از استقلال، تلاش شد تا گسترش سازمان‌های مردم‌نهاد با وجود کارکنان آموزش دیده و متخصص متوقف شود و این سازمان‌ها به صورت بازیگران ناپایداری درآمده‌اند که البته چند مورد استثنا برای این قاعده وجود دارد. این به آن معنی است که بسیاری از سازمان‌های مردم‌نهاد در سطح محلی عمل می‌کنند و اقدامات در سطح ملی بسیار نادر است. دولت فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد بین‌المللی و نهادهای چندجانبه را مسدود نکرده است؛ اما خارجی‌ها، سازمان‌های مردم‌نهاد و نهادهای بین‌المللی مجاز به شرکت در فعالیت‌های سیاسی - مانند حمایت از احزاب، کاندیداها یا نفوذ در انتخابات - نیستند. این مسئله به ویژه در مبارزه‌های انتخاباتی سال ۲۰۰۵ بیشتر مشخص شد؛ زیرا رئیس‌جمهور آشکارا به سازمان‌های غیردولتی خارجی هشدار داد که از دخالت در انتخابات پرهیز کنند (Ovcharenko, 2006).

البته دولت به شکل‌گیری جامعه مدنی از راه کمک‌های مالی به سازمان‌های مردم‌نهاد کمک می‌کند. کمک‌های مالی دولت از سال ۲۰۰۳ با پرداخت ۴۰۰ هزار دلار آغاز شد و در سال ۲۰۰۵ به ۳/۵ میلیون افزایش یافت و برنامه دولت پرداخت ۸ میلیون دلار در سال ۲۰۱۰ اعلام شد. رویکردها به کمک‌های مالی دولت متفاوت است. عده‌ای معتقدند که این کمک‌ها باهدف

کنترل بیشتر دولت بر این نهادهای مردم‌نهاد است؛ زیرا این نهادها به تدریج به دولت وابسته می‌شوند و فعالیت‌های آن‌ها به خواسته‌های دولت محدود خواهد شد. اگرچه برخی ناظران نیز بر این باورند که اختصاص دادن بودجه برای سازمان‌های مردم‌نهاد از سوی دولت نشانه آغاز همکاری و پذیرش این سازمان‌ها است. به نظر می‌رسد دولت در پی آن است که از نفوذ سازمان‌های خارجی در داخل بکاهد و با تأمین بخشی از هزینه‌های مالی سازمان‌های داخلی، موفق شود میزان کمک‌های مالی سازمان‌های خارجی را محدود کند. اگرچه باید گفت تاکنون کمک‌های مالی دولت بیشتر به سازمان‌های تحت نظارت یا شکل‌یافته به‌وسیله دولت اختصاص یافته‌اند و سازمان‌های دیگر مردم‌نهاد همچنان به کمک‌های مالی خارجی وابسته مانده‌اند (Overview of NGOs/Civil Society: Kazakhstan, 2009).

آمارهای مربوط به تعداد سازمان‌های مردم‌نهاد در قزاقستان متفاوت است. در سال ۲۰۰۳، یکی از سازمان‌های مربوط به دولت تعداد آن‌ها را حدود ۴۵۰۰ عنوان کرد. در همان سال یک مطالعه این رقم را ۳۰۵۰ و در سال ۲۰۰۲، وزارت دادگستری تعداد ثبت سازمان‌های مردم‌نهاد را ۳۵۰۰ سازمان اعلام کرد. اما شاید مهم‌تر از این ارقام، تعداد سازمان‌هایی است که واقعاً فعال هستند. در سال ۲۰۰۲، گرتسکی تعداد سازمان‌های فعال را ۸۱۴ سازمان از ۳۰۵۰ خواند، درحالی که کریزر و لاکمن تخمین زدند از میان سازمان‌های فعال در زمینه‌های زیست‌محیطی، تنها ۵۵ درصد آن‌ها در واقع فعالیت می‌کنند. در مجموع براساس گزارش گرتسکی، از میان ۳۵۰۰ سازمانی که توسط دولت اعلام شده، حدود ۱۹۰۰ سازمان فعال هستند. شایان توجه اینکه تعداد زیادی از این سازمان‌های مردم‌نهاد به‌وسیله خود حکومت به‌وجود آمده‌اند و بسیاری دیگر از آن‌ها نه به‌عنوان نتیجه فعالیت‌های مدنی بلکه در پاسخ به بودجه‌هایی که به‌وسیله اهداکنندگان غربی فراهم می‌شود، ترغیب تلاش برای مشاغل حقوق‌بگیر، سود شخصی و کمک به اعضای خانواده به‌وجود آمده‌اند. آژانس ایالات متحده برای توسعه بین‌المللی، معیار پایداری سازمان‌های مردم‌نهاد را منتشر کرده است. آمار و ارقام مربوط به قزاقستان گویای این مطلب است که بزرگ‌ترین چالش برای حیات سازمان‌های مردم‌نهاد در قزاقستان، شامل امور مالی، محیط قانونی و تصویر عمومی سازمان‌های مردم‌نهاد است. تمام ارقام مربوط به سازمان‌های مردم‌نهاد قزاق، حاکی از آن است که آن‌ها به‌صورتی پایدار در مرحله «اواسط گذار» از دولت متمرکز به‌سوی لیبرال دموکراسی هستند (Lee, 2007).

فساد سیاسی

فساد نظام سیاسی یکی از مشکلات کشورهای درحال گذار است. به دلیل نبود سازوکارهای نظارت بر عملکرد دولت، مانند رسانه‌های مستقل، فساد گسترش می‌یابد. این عامل در کشورهایی مانند قزاقستان می‌تواند خطرناک‌تر باشد؛ زیرا این کشور اقتصاد شکوفایی دارد و حجم درآمدهای دولت زیاد است که اگر نظارت وجود نداشته باشد، به فساد گسترده منجر خواهد شد. براساس گزارش خانه آزادی در سال ۲۰۱۳، وضعیت فساد در این کشور از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۹ بدتر شده است و از میزان ۶/۰۰ به ۶/۵۰ تنزل یافته است. در گزارش‌های خانه آزادی ارزش بین ۱ تا ۷ در نظر گرفته می‌شود. به این معنا که ۷، نشانگر بدترین وضعیت است (Freedom House, 2013). سازمان شفافیت بین‌المللی یکی از سازمان‌هایی است که عملکرد کشورها را از نظر میزان فساد بررسی می‌کند و رتبه کشورهای را در جهان اعلام می‌کند. براساس آمار سال ۲۰۱۳، سازمان شفافیت بین‌المللی رتبه قزاقستان را در بین ۱۷۷ کشور، ۱۴۰ اعلام کرده است که این بیانگر سطح بالای فساد در این کشور است (Transparency International, 2013). بر این اساس، اگر قزاقستان بخواهد در شمار کشورهای مردم‌سالار جای بگیرد باید از میزان فساد در کشور بکاهد.

نتیجه

دولت قزاقستان پس از استقلال، اصلاحات همه‌جانبه اقتصادی را آغاز کرد. سیر گذار به اقتصاد بازار خیلی زود در این کشور شکل گرفت. تمرکز همه‌جانبه کشور به سوی گذار از اقتصاد دستوری به اقتصاد بازار بود و اصلاحات در همه ابعاد (اصلاح نظام پولی و مالی، اصلاح نظام بانکی، تلاش برای کاهش نرخ بیکاری، جذب سرمایه‌های خارجی و گسترش تجارت بین‌المللی) صورت گرفت. بی‌تردید این مسئله بر درآمدهای دولت، تأثیر بسیار زیادی داشت. درحال حاضر دولت قزاقستان، دولتی با امکانات مالی بسیار زیاد است. البته با منابع مالی زیاد، امکان وجود فساد گسترده نیز افزایش می‌یابد. اینک پرسش این است که موفقیت‌ها و اصلاحات اقتصادی بر توسعه سیاسی این کشور چه تأثیری داشته است و آیا گذار به اقتصاد بازار با گذار به مردم‌سالاری همراه بوده است.

از شاخص‌های مهم مردم‌سالاری و جامعه مدنی در هر کشوری، وجود رسانه‌های آزاد و ظرفیت سیستم برای اجازه مشارکت سیاسی به مخالفان است. باید توجه کرد که لزوماً رسانه خصوصی به معنای رسانه آزاد نیست؛ زیرا تجربه در این کشور نشان داده است، این رسانه‌ها تا زمانی می‌توانند فعالیت کنند که حرفی علیه دولت نزنند و یا انتقادی به عملکرد آن نداشته باشند. در مورد مشارکت سیاسی نیز دولت خوب عمل نکرده است. اجازه مشارکت سیاسی به احزاب مخالف داده نمی‌شود و از زمان فروپاشی تاکنون، نظربایف قدرت مسلط کشور باقی مانده است. اما به هر حال باید گفت که دولت در زمینه توسعه شاخص‌های انسانی موفق عمل کرده است. سن امید به زندگی و سال‌های تحصیل مورد انتظار و دیگر شاخص‌های آموزش و بهداشت در سال‌های اخیر، به‌ویژه پس از جهش اقتصادی قزاقستان پس از سال ۲۰۰۰، افزایش یافته است و این نشان‌دهنده عملکرد موفق دولت در این زمینه است.

در این میان، نباید نقش فشارهای خارجی را نادیده گرفت. پس از مرحله گذار اقتصادی، تعامل قزاقستان با کشورهای غربی افزایش یافته است؛ به‌ویژه پس از پیوستن به سازمان امنیت و همکاری اروپا و یا شرکت در برنامه «مشارکت برای صلح ناتو». بنابراین اگرچه قزاقستان باید مسیر طولانی سپری کند تا به جامعه مدنی، مانند آنچه در کشورهای غربی وجود دارد برسد؛ اما اصلاحات اقتصادی و به‌ویژه بازکردن فضای تعاملات اقتصادی با شرکای خارجی، بر این روند بی‌تأثیر نبوده است. مجموعه این روندها نشانگر آن است که قزاقستان به‌عنوان یک دولت در حال گذار، تحت تأثیر همان مجموعه عواملی است که در مسائل مربوط به توسعه اقتصادی و سیاسی در جوامع در حال گذار به آن‌ها اشاره می‌شود. همان‌گونه که اشاره شد، توسعه سیاسی در جوامع در حال گذار به‌کندی پیش می‌رود و اگر هم این روند تسریع یابد، نه به خواست صاحبان قدرت، بلکه به دلیل فشارهای جامعه بین‌الملل به این دولت‌ها است. در این میان، در قزاقستان نیز مسائلی مانند فساد اقتصادی و رویکرد اقتدارگرایانه به دولت‌مداری، در مسیر توسعه جامعه مدنی اختلال ایجاد کرده است. این ماهیت رویارویی فشارهای ناشی از اصلاحات و آزادسازی اقتصادی و رویکردهای اقتدارگرایانه سیاسی داخلی است که آینده سیاست و همچنین جامعه مدنی قزاقستان را شکل خواهد داد.

منابع

الف) فارسی

۱. ابوالحسنی، صالح (۱۳۷۶)، **جمهوری قزاقستان**، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
۲. اسلامزاده، وحید، **مشابهنها و تفاوت‌های وبر و مارکس از دیدگاه کارل لویت، روزنامه سرمایه**، شماره ۶۰۴ به تاریخ ۸/۸/۸۶، صفحه ۱۱ (اندیشه اقتصادی)، <http://www.magiran.com/npview.asp?ID=1521589>. (تاریخ دسترسی: ۱۳۹۲/۲/۲۲).
۳. بشیریه، حسین (۱۳۹۰)، **جامعه‌شناسی سیاسی**، تهران: نشر نی.
۴. روابط تجاری قزاقستان و چین، <http://www.iras.ir/vdcdoz0x.yt0jz6a22y.html>. (تاریخ دسترسی: ۱۳۹۲/۱/۸).
۵. کلودین، فرناندو (۱۳۷۷)، **از کمیترین تا کمینفورم**، ترجمه فرشیده میر بغداد آبادی و جمعی از نویسندگان، تهران: خوارزمی.
۶. کولایی، الهه (۱۳۸۴)، **بازی بزرگ جدید در آسیای مرکزی**، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۷. کولایی، الهه (۱۳۸۹)، **سیاست و حکومت در اوراسیای مرکزی**، تهران: انتشارات سمت.
۸. لینک پیتر و ناومکین، ویتالی (۱۳۹۱)، **آسیای مرکزی دو دهه پس از استقلال**، ترجمه علیرضا عیاری، تهران: انتشارات مؤسسه مطالعات ایران و اوراسیا.
۹. مور، برینگتون (۱۳۷۵)، **ریشه‌های اجتماعی دیکتاتوری و دموکراسی**، ترجمه حسین بشیریه، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

۱۰. نش، کیت (۱۳۹۱)، *جامعه‌شناسی سیاسی معاصر*، ترجمه محمد تقی دلفروز، تهران: انتشارات کویر.

ب) انگلیسی

1. EBRD (2001), European Bank for Reconstruction and Development: **Kazakhstan Investment Profile**, London.
2. Encyclopedia of Nations (2014), Available at: <http://www.nationsencyclopedia.com/Asia-and-Oceania/Kazakhstan-Political-Parties.html>, (Accessed on: 5/9/2012).
3. Fredborn Larsson, Johan (2010), **The Transition in Kazakhstan from Command to Market Economy**, Department of Economics at the University of Lund, pp. 5-18.
4. Freedom House (2013), Available at: <https://freedomhouse.org/report/nations-transit/2013/kazakhstan#>, (Accessed on: 14/10/2012).
5. Golrizki, Yuran and Oleg Khlevnyuk (2004), **Cold Peace Stalin and The Soviet Ruling Circle, 1945-1953**, New York: Oxford University Press.
6. Itarr-tass (2014), Available at: <http://en.itar-tass.com/economy/753419>, (Accessed on: 24/8/2012).
7. **“Kazakhstan: The News Weekly That Won’t Be Silenced”** (2011), Archived from the original on 21 September 2012, Available at: <http://www.eurasianet.org/node/63176>, (Accessed on: 21/9/2012).
8. Lee, Julian (2007), **NGOs in Kazakhstan & The Caspian Sea Region: An Overview**, Available at: <http://graduateinstitute.ch/webdav/site/cig/shared/CIG/archives/pdf/kazakhstanapril.pdf>, (Accessed on: 2/09/2012).
9. **Mining World** (2014), Available at: <http://www.miningworld.kz/en/press-centre/news/66-17-01-2014mining>, (Accessed on: 17/10/2012).
10. Oil and Gas Journal (2000), **Kazakh Recovery Lifts Hurricane**, Vol. 98, No. 3, pp. 73-74.
11. Ovcharenko, Vsevolod (August 2006), Government Financing of NGOs in Kazakhstan: Overview of a Controversial Experience, **The International Journal of Not-for-Profit Law**, Vol. 8, No. 4, Available at:

- <http://www.icnl.org/research/journal/vol8iss4/special-2.htm>, (Accessed on: 3/11/2012).
12. **Overview of NGOs/Civil Society: Kazakhstan** (2009), Available at: <http://www.adb.org/publications/overview-ngos-civil-society> Kazakhstan, (Accessed on: 3/11/2012).
 13. **The Economist**, (2011), Available at: http://www.economist.com/blogs/banyan/2011/04/kazakhstans_presidential_election, (Accessed on: 21/6/2012).
 14. **Transparency International** (2013), Available at: <http://www.transparency.org/country#KAZ>, (Accessed on: 8/10/2012).
 15. Tsertsvadze, Tika and Vera Axyonova (2013), "Trading Values with Kazakhstan", **EUCAM**, No. 32, Available at: www.eucentralasia.eu/.../EUCAM-PB-32-Trading-values-KZ-EN_01.pdf, (Accessed on: 28/9/2012).
 16. **U.S Department of State** (2013), Available at: <http://www.state.gov/e/eb/rls/othr/ics/2013/204668.htm>, (Accessed on: 10/9/2012).
 17. **UNDP** (2014), Available at: http://hdr.undp.org/sites/all/themes/hdr_theme/country-notes/KAZ.pdf, (Accessed on: 6/10/2012).
 18. **United States Census** (2014), Available at: <https://www.census.gov/foreign-trade/balance/c4634.html>, (Accessed on: 17/10/2012).
 19. Weinthal, E. and P. J. Luong (2001), **Energy Wealth and Tax Reform in Russia and Kazakhstan**, *Resources Policy* 27, pp. 215-223.
 20. **World Bank** (2012), Available at: <http://www.worldbank.org/en/news/feature/2012/04/18/kazakhstan-in-the-customs-union-losses-or-gains>, (Accessed on: 25/11/2012).
 21. **WTO** (2014), Available at: http://www.wto.org/english/thewto_e/acc_e/a1_kazakhstan_e.htm, (Accessed on: 13/2/2013)